

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲ - تیرماه ۱۳۵۵

پیروزی باد مبارزه طبقه کارگر

برای دستمزدهای عادلانه

سال سابقه خدمت دارند و از مهارت شفلی کافی برخوردار می باشند محققاً ماهانه شان از ۷۰ تومان در ماه به زحمت تجاوز می کنند . به عبارت دیگر اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان بقیه در صفحه ۲

- در این شماره**
- ۱- پیروزی باد مبارزه طبقه کارگر ایران برای دستمزدهای عادلانه
 - ۲- خلق همان بمنبر طبقه کارگر ایران علیه تجاوزکاران ادا می دهد
 - ۳- نهت شرقی فدایی و جای آن در جنبش همی دموکراتیک و - میهنی خلق
 - ۴- عجز و ششانه ساواک به قصد کشتار خالفین
 - ۵- لغتصاب پرلینین کارگران چیست سازی تهران
 - ۶- سازمان شاه اسلحه می خورد
 - ۷- از رویه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 - ۸- وضع کارگران در جنوب کرمان
 - ۹- وضع اسف بار کارگران سنتی
 - ۱۰- دو گزارش از شرایط زندگی و مبارزات کارگران دوب آسن اصفهان
 - ۱۱- سرود بیوستن مشعری از سرو گسرخ
 - ۱۲- رویدادها

دست زدهم تجاوزگر شاه
از ظفار کوتاه!

خبر عایی که از سراسر کشور می رسد حاکی از آن است که کارگران و زحمتکشان که از نایجیز بودن حقوق و دستمزدها در مقابل هزینه کم شکن زندگی به جان آمده اند و به خاطر به دست آوردن حق صلح و پیمان شده خویش به پا خاسته اند . اما این مبارزه عادلانه و قانونی موجب عکس العمل خشن و بی شرمانه شاه دیکتاتور گردیده و تمام دستگاه تضییق و فشار دولت و در رأس آن سازمان جنایتکار امنیت برای سرکوب جنبش کارگری به خدمت گرفته شده است البته در قانونی بودن و عادلانه بودن مبارزه کارگران هیچ گونه تردیدی نمی آید وجود داشته باشند . نتایج مختصر به شرح دستمزدها در کشور و مقایسه آن با هزینه زندگی که در آن هزینه مسکن و تفریح و پوشاک و درمان جای ویژه را دارد ، برای اثبات این واقعیت کافی است .

در نخستین روزهای فروردین ماه سال جاری شورای عالی کار و فشار کارگران بالاخره مجبوره تجدید نظر در حداقل دستمزدها شد و باینکه افزایش تقریباً مقطوع دو تومانی نسبت به دستمزدهای سال گذشته کوشید مسئله را خاتمه یافته جلوه دهد . اینک در مذاق یک کشور حداقل دستمزدها ۱۵۲ ریال و در مذاق دو برابر ۴۱۱ ریال است . ضمناً بسیاری کارفرمایان سود و با تهنیتی وزارت کار ترتیبی داده اند که این حداقل دستمزدها تقلید ناپايد به کار تازه کار و غیر ما مرتبط گیرد ، عملاً دستمزدهای و حقوق اکثریت کارگران را تشکیل می دهد . در بسیاری از کارخانه های بزرگ کشور حتی کارگرانی که چندین

خلق عمان

به نبرد حق با باطل خود علی - تجاوزکاران ادامه می دهد

دو سال و چند ماه از تجاوز و مشیانه حکومت ایران به عمان می گذرد ، مقامات ارتش ایران در مراسم یاد بود کشته شدگان ارتش که در سال بر پا می شود اقرار کرده اند که شصت نفر افسران در عمان کشته شده و بنا بر مندرجات روزنامه لوئوند چاپ پاریس علاوه بر این ۱۰۰۰ در حدود صد و شصت نفر هم زخمی دار از پای در آمده اند . بدیهی است که شماره واقعی کشته شدگان خیلی بیش از این است . حکومت ایران مدت دراز تر تجاوز به ارتش ایران را به عمان پنهان کرد و وقتی دید بیروزی بر نرسد آزادی بخش خلق عمان به ایمن زودی با امان پذیر نیست و کار به درازا کشید ، ناچار به دستگاه های تبلیغاتی خود اجازه داد که مدافله نظامی ایران را در عمان فائق کنند منتها به آن صورت حق به جانب بدینند ، روزنامه های مزدور ادعا کردند که قاپوس از ایران و استارک شده تاضتی شورشیان و شی راکه می خوانند تنگ رمز راه خطر انداز سرکوب کنند و از منافع مردم ایران دفاع نمایند .

به دنبال افشای تجاوز ایران به عمان مرتباً اخبار پیمان کار سرکوب شورشیان و تشکرات سدان قاپوس از دولت ایران صفا - روزنامه اراکیر کرد ، اما میزان تازه بد تازه نیروهای ارتشی همسپدن ا بارنا کوار مرگ - افسران و سربازان به خانواده های آن ها همسریاز زدن پاره ای از افسراد بقیه در صفحه ۲

ایران ... بقیه از صفحه ۱
 افزای به جنگیدن با مردمی که در خاک همین خود برای
 استقلال و آزادی خویش در شریای بسیار دشوار نمودی
 کنند و اسیر شدن کسانی مانند اشرفیان که گونگسی
 لغزاف ارتش را به عمان تان و افسانه بودن دروغ تا
 شاخه دار حکومت ایران را یعنی بر این که شتی شورش و جنس
 تنگ بر مزو اضیت خلیج را به خطر انداخته اند و بر ملا
 ساخته اند و سرانجام مقاربت و لبرائخلق عمان که زبوس
 رهبری چهید خلق برای آزادی عمان مبارزه می کند و
 نبرد او علیه نیروهای متجاوز ایران و انگلستان و اردن
 و ارتش مزدور قابوس معینان ادامه دارد و همه این ها
 نشان داد که تجاوزکاران خارجی تاکنون نتوانسته اند
 به اهدافی خود برسند .

در واقع اهدافی حکومت پدید آور ایران سرکوب
 جنبش آزادی بخش در عمان و تصرف عطلی این کشور و کتک
 به بقای نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم
 انگلستان و امریکاد در عمان و کناره دریای آن که جنبش از
 نقشه وسیع استقرار پایگاه های نظامی امپریالیسم امریک
 و به اورگی سازمان اتلان تیک شمالی در اقیانوس هند
 و خلیج فارس است و نشان دادن شایستگی حکومت
 استبدادی و متمدن شاه در ایقایی نقش زاندارم منطقه
 و داشتن نظام زمینی در خلیج بود و نفوذ هم می باشد

اما جریان حوادث نشان داد که رسیدن به این
 اهداف کار آسانی نیست و زیرا اولاً رزندگان عمان با
 وجود تمام مشکلات تاکنون ایستادگی دلیرانه ای کرده اند
 و نبرد را با سرسختی تمام ادامه می دهند و ثانیاً تهدید
 ها و تجاوزاتی که نیروی متجاوز ایران به جمهوری -
 دموکراتیک یمن برای خود داری از کتک به رزندگان عمان
 کرد نیز موثر نیافتاد و ثالثاً دولت مستقیم ایران در اثر
 داخلی عمان و نفوذ همه خلق های عرب و در درجه
 اول خلق های عرب خلیج را علیه حکومت متجاوز ایران
 برانگیخت و رابطه بعضی از دولت های عربی منطقه
 خاورمیانه نیز از محور نیروی ایران در عمان و در نزدیکی
 مرزهای آنان ناخوشنود شده اند و قابوس را زیر فشار قرار
 داده اند که عذر ارتش ایران را بخواهد از جبهه بایست
 عربستان سعودی را نام برد که ارتش ایران در بخش
 مهمی از عمان تاجزای آن کشور پیش قدم است عربستان
 سعودی که خود مدعی رهبری در خلیج است از وضع
 موجود ناراضی است و تاکنون کوشش های دولت ایران برای
 متقاعد کردن این کشور به قبول و تأیید تمرکز نیروهای
 ایران در عمان بی نتیجه ماند . بدیهی است که ناخوشنودی
 دولت های نظیر عربستان سعودی از وجود نیروهای
 ایران در عمان نه به خاطر جنبش آزادی بخش
 عمان است بلکه به علت رقابت با ایران در مسئله
 رهبری خلیج از سویی و امتزاج خلق های عرب به وضع
 موجود از سوی دیگر است .

شاه ایران که از درک تحول سریع اوضاع جهان
 بسود جنبش های خلقی و تغییر تناسب قوا به سود
 صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و به زبان امپریالیسم
 عاجز است و ما چرا و بیانه به پشتیبانی امپریالیسم دست
 به این گونه اقدامات تجاوزکارانه می زند . ولی تردیدی
 نیست که سرانجام این بلند پروازی با جز شکست و ناکامی
 نیز دیگری نخواهد بود .

شاه خیال پرور با صرف ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد
 کشور در راه تسلیحات و کشتن یک ارتش تجاوزکار و با
 این تصور باطل که پشتیبانان امپریالیست او قادر به هر
 کاری هستند و دست به یک سلسله ماجراها زد که از جمله
 تجاوز به مرزهای عراق و تهدید به تصرف بلوچستان
 پاکستان و لغزاف ارتش به عمان .

در مورد اول کنگدن به سینه خود و به اهدافی برای
 خود نرسید . در مورد عمان هم چنین خواهد شد . ارتش
 ایران باید خاله این کشور را ترک کند . درجه در این کار
 تاخیر شود به زبان بیشتر مردم ایران و موجب تشدید تنگ
 و نفرتی است که هم اکنون در جامعه کشور های عربی
 نسبت به حکومت تجاوزکار ایران وجود دارد .

نقل از روزنامه مردم هارگاس
 کمیته مرکزی حزب توده ایران
 شماره ۱۵۴

بیمروز با مبارزه طبقه کارگر ... بقیه از صفحه ۱
 شافل در همین ما بین ۲۰ تا ۲۵۰ تومان در ماه حقوق
 می گیرند . حدود نیمی از این حقوق برای کرایه اتاقی سه
 نام مسکن می رود و بقیه باید هزینه رفت و آمد مخرواک و
 پوشاک و درمان و آموزش تمام خانواده را تأمین کند .
 بیروشن است که تقریباً تمام خانواده های کارگری با
 وضع کنونی درین بستر و اتمی هستند و در هر فقره به سر
 می برند و و پایه و اساس مبارزه کارگران را برای دستمزد
 و حقوق عادلانه تر وجود این مرز غیر قابل تحمل تشکیل
 می دهد . اما جنبش کنونی کارگری در همین ما با دشمنی
 جنایتکار و وقیح و بی لفتنا به ابد این ترین حقوق روبرو
 است و اگر بسته به شرایط روز با شویاری از تمام
 امکانات خود استفاده نکند بسیار افغان خواهد داشت آن
 را سرکوب نمایند .

نکته عمده این حالت است که توده های وسیع کارگر و
 زحمتکن تا آن جا که مکن است به هر دسته جمعی و مشکل
 برای تحقق خواست های خود مبارزه کنند . باید آن
 چنان است ای را مطرح کرد که در واقع بیان کنند
 درد مشترک تمام کارگران یک کارخانه و کارگاه باشد که
 همه از جان و دل از آن پشتیبانی کنند . در شرایط
 موجود با حوصله و پشتکار و کار توجیهی لازم می توان کارگران
 این کارخانه یا آن کارگاه را برای تحقق خواست های
 معین و مشخص متحد کرد .

نهیست مترقی مذهبی

و جای آن در جنبش‌های دموکراتیک و صهیونیستی

تعدد بی ترکیب یافته که گروه مذمبی مترقی در آن جای شایسته ای خویش را دارد. مردم ایران شاهدند که هدف‌های از برجسته ترین رهبران مذمبی طایفه سیاست‌های صهیون فروشانه درودسته شاه و طایفه خودسری‌ها بی قانونی‌های ساواک و طایفه فساد و تباهی نابودکننده‌ای که این رژیم در صهیون ما می‌گستراند و فحلم کرده‌اند. مردم شاهدند که مراکز مذمبی و حوزه‌های طایفه به مراکز نبرد و حق طلبی بدل شده و جوانان پرشوری که از اندیشه‌های مساوات‌طلبانه، عدالت‌خواهی و پاکیزگی اخلاقی اسلام الهام می‌گیرند گام درجاده نبرد نهاده و چه بسا که به مقام شهادت می‌رسند.

ماهیت رژیم حاکم بر کشور و سیاست‌های سرکوب‌کننده مخالفین و تجار بزرگ و تباهی آن خود موجب تقویت نهیست مترقی اصلا می و رشع‌های شدن آن می‌گردد. در واقع اگر قشری از روحانی نمایان وابسته به ساواک و تشنه پول‌اند و در نقطه مقابل آنان در صهیون ما قشری از مذمبین مترقی پیدا شده و تشکل یافته و نفوذ فزاینده‌ای می‌یابند که مذمب‌ها در ظواهر خرافی آن خلاصه‌منی‌کنند بلکه هسته اصلی آن را بر حسب سنت‌نامه مقاوم و مبارزانه مذمب‌شیمه چون علی و حسین، نهضی مبارزه و جهاد در راه عقیده و طایفه ظلم و فساد و طایفه دست‌نشانده‌گی و خاکساری می‌دانند. اینان همانند علی و حسین و با الهام از ایثار قراموس نشدنی آنان هکر جهاد و نبرد می‌بینند و خطرات و صدمات این نبرد را به جان می‌خرند تقیه و تسلیم را در برابر جاپو و زورگو و فاسد جایز نمی‌شمرند. بسیاری صهیون پرستان معتقد به مذمب‌که سنسن دموکراتیک در اسلام و به طور عمده و در تشیع به به ویژه و رابرجسته‌شده و آخویش آن‌را به یک ایدئولوژی می‌کار جویانه بدل می‌کنند و بر این اساس فکری به نام آوری رژیم مذمبی و ضد دموکراتیک شاه می‌روند و تاجایی که برخی از آنان حتی بین اصول آخویش اسلام و مارکسیسم تناقضی نمی‌بینند. همه این دستجات در عمل در صف خلق قرار می‌گیرند و به سود خلق و به سود حقیقت می‌روند. در واقع امروز دیگر روشن و عمل معتقدان به مذمب در عرصه اجتماع در قید و بند نیت‌ها و اهداف طبقات استثمارگر و نهیست‌ها که و آن کسانی که می‌خوانند از این معتقدات به سود افراض تشکلهای خویشتن‌سوز استفاده کنند محصور نمی‌مانند.

حالا دیگر مرز بین افراد جامعه را نه مذمب و معتقدات دینی بلکه منافع طبقاتی و خواست‌های اصیل ملی، اجتماعی و طبقاتی تعیین می‌کنند. از این رو است که صهیون پرست‌ها و نه فقط در ایران بلکه در همه جا در مقابل دشمن مشترک و یعنی امپریالیسم و ارتجاع همه

جنبش‌های خلق ایران طایفه استبداد خونین محمد رضا شاهی و طایفه سلطه امپریالیسم و غارت صهیون ما و سایر خاطر آزادی و استقلال و بهرزه‌ای از گردان امپریالیسم

صله مهم دیگر صهیون‌گرایی است. مثلا فرق است بین این که کارگران یک کارخانه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و زندگی خود دست به مبارزه بزنند و یا این که کارگران تمام کارخانه‌های تهران برای تحقق این خواست صهیون به پا خیزند. زمینه کنونی برای تحقق این صهیون‌گرایی نیز بر اثر سیاست‌خط اقتصاد و شکست‌های بی‌دردی رژیم شاه برای طایفه برهمن اقتصاد و کنونی وجود دارد. به دنبال کشش‌هایی که میان دستگاه دولت و طایفه کارگران از مدت‌ها پیش وجود داشته و روز چهارشنبه ۲۹ بهمن صهیونیستی و رئیس سازمان برناضو بودجه و دستمزد‌های کارگران ساختاری را که دولت بر اساس آن‌ها به طایفه کارگران پول می‌پردازد اعلام کرد. در این فهرست برای کارگرساده ساختمانی روزی می‌تومان و سایر باقی به ترتیب چهل و پنج نجاه صهیونیستی و بیست و تومان برای آرماتورچی مشخص به پیش‌بینی شده است. وقتی خود دولت می‌تومان مزد روزانه را برای کارگر ساختمانی به رسمیت می‌شناسد و آیا می‌توان کارگران را واداشت که در کارخانه‌ها با نصد آن کارکنند؟ چه بجز می‌شود که مزد یک جوشکار نزد مقاطعه کار هفتاد تومان و در کارخانه کمتر از نصف آن باشد؟ وقتی یکی از مسئول ترین ارگان‌های دولت اعتراض می‌کند که دوران دستمزد ای پانزده تومانی صهیونی شده و خود ن تا صد و بیست تومان مزد روزانه برای کارگر ساختمانی به طایفه کار می‌پردازد یعنی توان سیاست‌شاه را به کارگران کارخانه‌ها تحمیل کرد و کوچک ترین افزایش مزد پانزده تا بیست و پنج تومانی آنان را به با اصلاح به بهر روزگار که به معنی تجدید بهره‌کشی وابسته کرد و توجه نداشت که گویا به یک اتاق سیصد تومان و سیب و زنبق و پیاز گیاهی پنج تومان است.

مبارزه کنونی کارگران برای افزایش دستمزد ما ناشی از توقعات زیادی نیست بلکه از شرایط طاقت‌فرسای زندگی ناشی می‌شود. اگر این مبارزه به راستی همه گیر و سازمان یافته باشد سرکوب آن برای شاه و دولت امکان پذیر نخواهد بود.

"مرطبه نیروی است جهانی، برای پیروزی بر این نیرو اتحاد جهانی کارگران و برادری آنان در طایفه جهانی در رو است"
لنین

ظرف
 برای کمونیست ها است که در تلافیات ظنی و
 نمی بایست مانعی بر سر راه مبارزه مشترک زحمتکشان به
 خاطر ضایع و آرمان های مشترک شان گردد. لنین نوشته
 است: " وحدت در مبارزه واقعا انقلابی طبقه زحمتکشان که
 برای ایجاد بهشت بر روی زمین می رزده، برای مابقی پیش از
 وحدت عقیدتی پروتاریا در زمینه بهشت آسمانی اهمیت
 دارد."

برای مائودهای ما که مرکز عقاید ظنی و سیاسی و
 اقتصادی خود را نبوشانده و می دانیم که در یک سلسله از
 نظریات و اختلافات مسلکی با نیروهای انقلابی دیگر داریم،
 آنچه که مطرح اساسی است این اختلاف نظر نیست، بلکه
 وحدت عمل در ازمده و توسعه بین مارکسیست ها و مسلمانان
 و همه گردان های مختلف نهضت استقلال طلب آزادی خواه
 است که آنرا ممکن، ضروری، حیاتی و وظیفه مهم خویش
 می شمریم. اگر با واقع بینی بنگریم، مارکسیست ها و
 مسلمانان دو بخش عمده این نهضت اند. اگر دشمن بتواند
 بین این نیروی مهم انقلابی شکاف و نفاق بیاندازد، موانع
 ستیزگانه و میهن پرورانه خود را تقویت کرده است. و اگر
 نتواند دچار باخت صهی شده که می تواند سرانجام برایش
 مهلک باشد. اگر انقلابی راستین هستیم، باید برای وحدت
 در ازمده تلاش بی علیه رژیم ضد خلقی و ضد ملی و آذکنش و
 فاسد شاه بکوشیم. باید از سیماهای تابناک مبارزان راه دین
 الهام گیریم تا به هدف مشترک میهنی و دموکراتیک خویش
 برسیم.

اطلاعه

شخصی بنام کاوس صاحب، کارمند وزارت دادگستری،
 ادعای کند که به حزب توده ایران وابستگی دارد. به اطلاع
 می رسانیم که این فرد از کارگزاران ساواک و از همکاران نزدیک
 عباس شهریاری است. ما افراد مبارزان را از این فرد بفرسند
 می داریم.
 * ضمن این اطلاعیه راه همه دوستان و آشنایان
 بگویند و کاوس صاحب، کارگزار سازمان امنیت را به عموم
 معرفی نمائید. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اتحاد عمل همه رزمندگان ضد رژیم
 شرط نخستین یک پیگیر راستین
 و اشوبخشن است. ستیزه افکنی
 در میان نیروها، به طور عینی
 اقدامی است به سود رژیم.

زحمتکشان و ترقی خواهان، هم از ظنی و غیران هم
 از کمونیست یا صیخی، مارکسیست یا مسلمان و
 سوسیالیست یا بودایی، هرگونه تفاوت های ظنی و
 مسلکی خود دست برداری و عطف می دهند.
 مسئله همکاری و پیوند بین ما، میهن و مارکسیست ها
 اینک دیگر در مقیاس جهانی یک مسئله روز شده و وجه
 مشخصه نیروها و وحدت عمل های پرشوری را تشکیل
 می دهد.

در تیرماه های بزرگ تاریخی، در امپریالیستی زمان ما
 نظیر نبرد خلق های هندوچین و خلق فلسطین و همچنین
 در مبارزات بزرگ انقلابی نظیر آنچه در فرانسه، ایتالیا و
 اسپانیا می گذرد نمونه های درخشانی از وحدت عمل
 میان مارکسیست ها و میهنیون به چشم می خورد.
 برقراری کمونیسم و این ایدئولوژی امپریالیستی
 شکست خورد می شود، وحدت عمل بین مارکسیست
 ها و میهنیون به خاطر اهداف مشترک علیه دشمن مشترک
 محکم تر و اصولی تر می شود. در کشورمان نیز برقراری تفاهات
 ضد توده های و اتهامات در رفین دستگاه تبلیغاتی رژیم علیه
 مارکسیست ها بیشتر فاش می شود، ما شاهد نزدیکی و کار
 فعالیت مشترک و توسعه تر همه گردان های جنبش میهنی و
 ترقی خواه می شویم.

مسلمان انقلابی و مارکسیست از آن جا که هر دو -
 خواستار خاتم شدن به استعمار و استبداد و مشتاق
 بهروزی خلق و ترقی کشور بوده و هر دو هدف آگاهی و بیکار
 را در راه خلق و میهن و طبقه مقدس هریرانی می شنوند و
 دارای وجوه مشترک هستند. و هم این جا است که این
 وجوه مشترک نه در مسائل فرعی و گذرا، بلکه در مسائل
 اساسی و گریزی است. از این رو وحدت عمل ناشی از آن
 مستحکم و بر قدرت، دارای رونق و پایداری است.

واقعیت واضح چنین است که اتحاد مسلمانان انقلابی
 و مارکسیست ها در شرایط کمونی تاریخی نه فقط ممکن بلکه
 ضروری است. یک مسئله مهم وحدت زمان ما است و یک وظیفه
 است.

رژیم شاه هم مارکسیست را سرکوب می کند و هم
 مسلمانانی را که سنت مبارزه جویانه اش را چهارا علیه جور و ستم
 بر جسته می کنند علیه یزید زمان می رزند.

مجاهدین خلق در نشریه خود به حق گفته اند و ما توده ها
 ما تأیید کردیم که:

" مسلمان انقلابی که در برابر بیداری رژیم و سرکوب
 پاره کردن زنجیران بردگی استعمارنویس قد برافراشته
 در همان راهی گام برمی دارد که مارکسیست - لنینیست ها
 واقعی پیش گرفته اند.

مجاهدین خلق به درستی گفته اند و ما تأیید کردیم:
 " یک انقلابی مارکسیست هرگز نمی تواند دشمن یک
 انقلابی مسلمان باشد."

هجوم و حشبانه ساواک

به قلم کشتار مخالفین

هجوم و حشبانه و شبیخون صلحانه سازمان امنیت به خانه های مردم به قصد کشتار مخالفین و لغزای خانوادگی های آنان به مراتب وسیع تر از آن است که در روزنامه های مزدور تحت کنترل ضلعکس می شود.

سازمان امنیت شاه به عمال خود دستور داده است بدون بیم از زنگنه بازخواست یا بررسی و رگسی راکه دشمن خواست به نام چریک و خرابکار بکشند تا تخم هراس و وحشت بپراکنند.

آدمکشی کور و بدون تعیین جهت و البته نشانی از ترس خود عمال ساواک است ولی در عین حال از سمیت رژیم دیکتاتوری مایه می گیرند که همه مردم ایران را بالقوه مخالف خود می شمارد و خون همه کس را صباح می داند.

در هجوم وسیع اخیر ساواک سعی شد مخالفان را بدون تامل قتل عام کنند و کسی را دستگیر ننمایند. روش جنایتکارانه ساواک چندین فاجعه بزرگ ایجاد کرد. در یکی از حطه های ساواک در تهران به یکی از خانه ها به پدر جوانی کوشید تا شاید کودک خود سال خود را از زیر آتش دشمن نجات دهد. مادران شاه پدر کودک را جابه جا کشند و سپس ادعا کردند که گویا آن پدر چریکی بوده که گویا می خواسته کودک خردسال ناشناسی را وسیله فرار خود قرار دهد.

در قزوین به مادران ساواک نشانی خانهای را در کویچه بحرین داده بودند. آنان شماره پلاک خانه را عویسی گرفتند و به خانه حسیاه هجوم بردند. هجوم با آتش مسلسل و گلوله باران آغاز شد. به اهالی خانه فرمان دادند که فوراً تسلیم شوند. در این خانه محسن حسینی و ناظم دستا مجد قزوین همراه با همسر و مادر و سرزن زندگی می کرد. آن ها بی خبر از همه جا دست را به علامت تسلیم بالا گرفتند و از خانه بیرون آمدند ولی مادران ساواک به جای دستگیری آن ها رسیدگی به موضوع آن ها را به گلوله بستند. حسینی و مادر زنش جابه جا گشته شدند. همسر حسینی زخمی شد. همه مردم قزوین از این فاجعه خبر دارند و به شدت از آن متأثرند.

بسیارند بی گناهانی که از همه جا بی خبر و به ناگاه مورد سوء ظن قرار می گیرند یا آن که مهربانانه و با قسط به علت آن که در محله یا کوچه های ساکن اند که عمال شاه گمراهی بودند که باید در آن جا مبارزاتی خانه داشته باشند، جابه جا گشته می شوند. تئوریست های درستی و جانمندان حرفهای بی نی عمل آدمکش رژیم شاه مبرای پرده پوشی جنایات خود یادعا می کنند که این افراد هدف گلوله چریک ها قرار گرفته اند و مثل حادثه قزوین و میان ساواک و چریک قلمداد می کنند و مثل حادثه قتل پدر کودک و یا سعی در پنهان کردن موضوع می نمایند. نمونه این روش اخیر حادثه های است که در زیر می خوانید:

در خیابان امیرآباد تهران در خیابان بوطی در نیمه شب اول خرداد ماه حادثه شان دهنده های روی داد که اهالی محل را به شدت متأثر کرد و خشم مردم را علیه وحشیگری های بی حد و مرز ساواک برانگیخت. در نیمه شب مادران شهرتانی و ساواک ناگهان به خیابان بوطی ریختند و خیابان را محاصره کردند. گویا آن ها در جست و جوی یک خانه امن چریکی بودند. بر اثر سرودای آن ها بسیاری از اهالی محل بیدار شدند. یکی از عطفه های آگاهی از طلعت شلوقی ناگهانی محله برخاست و به سوی خیابان خم شد مادران به حضور دیدن او و دسته جمعی به طرفش شلیک کردند. کار تحریرت زده که علت هجوم صلحانه رانسی دانست در خون خود فروخته و شد. رفقای دیگر او وحشت زده به بالین این شتافتند و در حالی که به شدت زاری می کردند و از وحشت فریاد می کشیدند مساواکی ها آن ها را با مسلسل احاطه کردند و به خیال این که این جمع به خم ریخته و چریک های هستند که در صد فرزند از هر سو آتش مسلسل همایشان را به طرف آن ها گشودند. شش کارگر عطفه در این بیرون شبانه گشته شدند. هنگامی که نقاب برق چهره های رنج دیده آن ها را پویشاند و چشمها

وحشت زده و حیران نشان هنوز دچار ناها بودند. مساواکی ها برای پوشاندن جنایت و وحشتناک خود به نهایت خون سردی اجساد قربانیان را با خود بردند. هر یک از اهالی محل که برای امداد از ماجرا وارد خیابان می شد با از پنجره خانه خود سرزن را بیرون می آورد با تهدید اسلحه جلادان و وحشت زده به درون خانه پناهانده می شد. اتومبیل یکی از ساکنان محل بر اثر رگبارهای مسلسل مثل آبکش شد.

این جنایات علی رغم همه کوشش های ساواک برای پنهان کردن آن از پرده بیرون افتاد و توفانی از خشم مردم شنوندگان و شاهدان حادثه در خیابان بوطی آفرید.

این حوادث اظفافی و مستجاب نیست محکایت از سیاست تعدی رژیم شاه برای احیاء جسمانی همه مخالفان سیاسی خود می کند. برای این شد در باره سازمان امنیت به جلادان خود آزادی عمل نامحدود و آزادی جنایت و آدمکشی بی حساب امانند. وقتی نخست وزیر شاه، هویدا در صاحبهای در وزارت اطلاعات به وزیرین خارجی می گوید که حکومت قصد دارد ریشه "تئوریسم" را برکند و بازتاب آن در عمل همین است که تئوریست های واقعی و سیاسی ساواکی ها، دمار از روزگار همه مردم بر آورند.

جنایات سازمان امنیت و کشتار دسته جمعی مخالفین شبیخون زدن به خانه مایه قصد ویران کردن و از بین بردن موج شدیدی از تأثر در میان وسیع ترین قشرهای مردم

اعتصاب کارگران

★ دو کارخانه چیت سازی تهران ★

در برابر هجوم پلیس انضباط و نظم اقتصادی خود را نشکستند و اعتصاب با نظم ادعایافت . به کارگران محبوس در کارخان به اشکال گوناگون خذ اربانده شد . زنان و کودکان کارگران به کتک آنان آمدند و به این ترتیب جشن اول ماه مه کارگران چیت سازی تهران در کوره داغ مبارزه اقتصادی و شرایط - دشواری پرشوری برگزید .

اعتصاب کارگران چیت سازی تهران موجی از محمدری در میان سایر کارگران ایجاد کرد . کارگران نساجی کشور و از جمله کارگران کارخانه های ممتاز ری ، جبهان ، اطلس و کاشان اقدامات موثری برای ابراز محمدری به سه عمل آوردند . کارگران کارخانه ارج و شرکت واحد اتومبیلرانی تهران نیز محمدری خود را اعلام داشتند . در کارخانه " ایران گاه " اهلا مه های پخش شده که کارگران را به محمدری و محبتی با کارگران چیت سازی تهران دعوت می کرد . همچنین دانشجویان نیز با کارگران ابراز محمدری کرده و نیروی خود را برای کتک به آنان تجهیز نمودند .

روز چهارم اردیبهشت پلیس تدارک حطه به کارخانه را دید . افراد پلیس در مقابل کارخانه و بیاده روی خیابان آرامگاه موع گرفتند و کوشیدند تا هرگونه تماس میان کارگران را با خارج از کارخانه قطع کنند و جلوی انتشار خبردهای اعتصاب را بگیرند . پاسبانان با ماسک و باتوم روی سوی کارخانه صف کشیده بودند و اجازه نمی دادند که اعضای انبوه های کارگران که در اطراف کارخانه جمع شده بودند با کارگران اعتصابی تماس بگیرند . در این میان پاسبانان کودک دوازده سیزده ساله ای را که در یک دستمال سرمه غذا برای پدرش یا برادرش می بود دستگیر کرده و به داخل یکی از کمانکارهای پلیس بردند .

سرانجام پلیس به داخل کارخانه ریخت . از حواص درون کارخانه خبردستی در دست نیست . ولی شاه ادیس

و نیم اول سال جاری پیش از سی نفر کشته شده اند . این جنایت باور نکردنی است ، جنایتی است ناشی از وحشت و نفرت و سادیسمی ضد انسانی . این جنایت به هیچ وسیله و به طریق اولی با خطر ضحک جورج جنایت قابل توجیه نیست . در پشت سوا این جنایت ها عجز بیانت به ضافع طی و دزدی بیلیاردی اموال عمومی ، تلاش برای جلوگیری از تحویل و تکامل خوابیده است .

در این شرایط چه قدر حدت و وفالیت پیام اخیر کشته مرکزی ، زیب ترده ایان که همه مخالفان رژیم تور و اختناقی راه همکاری در یک جبهه واحد شد ، یک کاتوری برای پیمان دادن به این وضع فراوانده است همیشه از پیش رویشان می گردد . تبه کاری های شاه از حد گذشته ، باید متحصدا دست خنجرین جلا در قطع کرد .

در ماه های فروردین و اردیبهشت سال جاری جمعا حدود سی هزار کارگزار سی و شش واحد صنعتی در اعتصابات مختلف شرکت کردند که مهم ترین آن ها اعتصاب کارگران چیت سازی تهران بود که به مدت بیست و یک روز ادامه داشت . کارگران کارخانه چیت سازی تهران از روز چهارم اردیبهشت دست به اعتصاب زدند . جریان اعتصاب و خواست های کارگران به شرح زیر است :

کارگران کارخانه چیت سازی تهران خواستار آن بودند که دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش یابد ، برای تامین مسکن آن ها اقدام شود ، طبقه بندی مشاغل انجام گیرد ، حق بیمه که اضافه بر میزان مسرور دریافت می شود کاهش یابد ، استخدام کارگران رسمی شود و آنان از حقوق مستخدمین رسمی دولت بهره مند گردند . کارگران خواست های خود را به مقامات مسئول اطلاع دادند ولی توجیبی به آن ها نشد و لذا کارگران از چهارم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند . اعتصاب آن ها مشکل های بارجه و محکم بود . همه کارگران همیشه نوبت کارخانه در این اعتصاب شرکت کردند . کارگران تصمیم گرفتند در سرکار حاضر شوند ولی کار نکنند . در نوبت از کارگران ماشین ها را تمویل نوبت به دی می داد تا محل کارخانه هرگز خالی نماند .

در روزهای اول اعتصاب به دستور مدیر کارخانه های از مهندسی و کارمندان را پشت دستگاه های بافندگی گذاشتند ولی اظهار شد که کارگران آنان را مجبور کرد که محوطه کارگاه را ترک کنند .

روز پنجشنبه درم اردیبهشت ماه پلیس کارخانه را محاصره کرد ، از خروج کارگرانی که در نوبت شب در کارخانه بودند و از ورود کارگران نوبت صبح جلوگیری نمود و بدین ترتیب کارگران نوبت شب در کارخانه محبوس ماندند . کارگران

برانگیخته است . شاه و نهادهای سازمان امنیتی او که هیچ گونه توجیه و توجیحی برای افعال جنایتکارانه خود ندارند دستور دادند در تمام روزنامه ها همزمان جنجالی در ساره مردی به نام جورج جنایت که یکی از همبران درجه دوم و کم نفوذ چه به آزادی بخش فلسطین است برانگیزند و چنین وانمود سازند که گویا جاری از طرف جنبش فلسطین کشور ما تهدید می کند .

از چند ده سال پیش که در برابر پلیس همه جنایات ضد انسانی خود را زینام مقابل باغبار ارج پنهان می کند ، یک روز خطر شهریور ، یک روز ، آنگویا یک روز ، خطروناسر ، یک روز خطر ازانویک ، روز خطر جمهوری ، دموکراتیک بین و جنبش عفا را به رخ می کشد ، خوار جورج جنایت از همه ضحک تر است . در چند ماه اخیر کشتار ای بدون محاکمه و حتی بدون بازجویی به دست مأموران ساواک از حد گذشته و تقابل در یک ماه

وضع کارگران در جنوب کرمان

طبق مصوبات شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران در استان بلوچستان و سیستان ۲۰ ریال در قبال هشت ساعت کار است. موافق قانون کار برای ساعات اضافه کاری باید ۳۵ درصد و برای روزهای جمعه ۱۳۵ درصد و بیشتر پرداخت گردد. اما در عمل دریافتی کارگران ساده هشت تومان و در دریافتی کارگران خردسال سه تومان است. کارگران ساده حداقل ده ساعت در روز کاری کنند و اضافه کاری از ده ساعت کار معمولی داده می شود. روزهای جمعه اگر کارکنند دستمزد معمولی و اگر کار نکنند دستمزدی پرداخت نمی شود. برای تمطیل های استحقاقی سالیانه و حتی اول ماه و یازدهم اردیبهشت که روز کارگر است به کسی حقوق نمی دهند. اکثریت کارگران از هیچ گونه مزایایی برخوردار نیستند و تنها بعد از هفتگی لباس کاری دهند. در ادوات دولتی شهرهای جنوبی کرمان هر سالگی سه خد متگزاران را به نگرانی واری دارند و اگر امتناع نمایند آنان را به اخراج و قطع اضافه کاری تهدید می کنند. در ادوات و مضاربات کارگرانی وجود دارند که تنها ۲۴۰ تومان در ماه حقوقی می گیرند و تازه حال خرج شکایت کرده اند و نتیجه ای نداده است.

در بندر چاه بهار یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی ایجاد می شود که علی رغم اسم ایرانی خود یکی از حلقه های زنجیر پایگاه های نظامی امپریالیستی را در اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس تشکیل می دهد. در ارتباط با ساختن این پایگاه در شهرهای جنوبی کرمان نیز فعالیت هایی در زمینه راه سازی برای ایجاد ارتباط مطمئن تر با چاه بهار به چشم می خورد. اما وضع کارگرانی که در شهرهای جنوبی کرمان و در راه سازی با کاری کنند و نشان می دهند که در این شهر نیز مانند سایر نقاط ایران حتی قانون ناقص فدرالی کار به شدت نقض می شود.

در شهرهای جنوبی کرمان حتی بچه های ده ساله نیز به کارگمارده می شوند و حتی آنان راه کارهای خطرناک نیز وارد می کنند. مثلا در دی ماه سال گذشته شرکت راه سازی کوهدشت و کارگر سیزده ساله ای مامور کسب کاری زنجیرهای ماشین سه تنی بود و بدون این که ماشین را متوقف کند. چند لحظه بعد آستین این نوجوان کارگر به زنجیر گیری کشد و دستش از بازو قطع می گردد. سپس قفسه وزارت توبان به او می پردازند و اخراجش می کنند.

باز هم شاه اسلحه میخورد

خبر زیر از روزنامه امریکایی هرالد تریبون است که بازم از یک معاطمشکوک اسلحه میان شاه و انحصارات امریکایی خبر داده است.

بنامه نوشته روزنامه مطلع امریکایی بهای هر هواپیما و بوئینگ را در ارار که به ایران تحویل می شود یک صد و هشتاد و هفت میلیون دلار تعیین شده. در حالی که همین هواپیما وزارت دفاع امریکا در فروردین هشتاد و هشت میلیون دلار میبندی یک سوم بهایی که به ایران می فروشد به پیمان ناتو پیشنهاد کرده. ولی ناتو هنوز حاضر به خرید آن نمیست.

هرالد تریبون می نویسد که در فروردین از این نوع هواپیما برای ایران سفارش داده شده که جمعاً یک میلیارد و هشتصد و هفتاد میلیون دلار قیمت خواهد داشت. اولین سفارش این هواپیما را ایران قریب یک سال پیش داد و در آن وقت بهای هر هواپیما صد و بیست و هفت میلیون دلار اعلام شده بود.

هرالد تریبون می نویسد که ایران با خرید این هواپیما کمک می کند که فدرال تولید آن اقامت شود تا شاید مقامات ناتو برای خرید تصمیم بگیرند.

برای این که تصویری از بهای این هواپیما ندارد داشته باشیم یاد آوری می کنیم که مجموع تولید سالیانه فرن کشور چه آن که صادر می شود و چه آن که در کشوری ماند، برابر نصف قیمت یک هواپیما است. و اگر همه ساختمان های دبیرستان های سرتاسر کشور را بفروشیم به زحمت ممکن است قیمت و فروردین از این هواپیما بدست آید.

ماجرای گفتند که پاسبان با در داخل کارخانه به جان کارگران افتادند. عده زیادی از کارگران که شبانه از کارخانه رانده شده بودند قصد حرکت جمعی به سوی شمال شهر را داشتند و اما شلیک گلوله امان نداد. خون دها کارگرهایان آرامگاه را کنگن کرد. بنا بر گزارشات رسیده تا ده تن از کارگران کشته شدند. عده بهای میجروح گردیدند و بسیاری را نیز روانه بازداشتگاه های ساواک کردند.

خشم و انزجار همه کارگران را فرا گرفت. کارگران بسیاری از کارخانه های خیابانری و جاده شاهبهد الحظیم برای اعتراض به اعمال وحشیانه پلیس و ماموران کارگران - قهرمان بهیت سازی تهران دست از کار کشیدند. پلیس در اطراف این کارخانه تا نیز موضع گرفت و تا چند روز بعد همچنان کمانکارهای پلیس در خیابان های اطراف این کارخانه (از جمله کارخانه سیمان کارخانه سیلو) جیت سازی روی چند کارخانه دیگر) مستقر بود.

گرچه انحصار پرشور و پتیر کارگران جیت سازی تهران را پلیس وحشی شاه جلاد به خاک و خون کشید و تا شیر آن صیق و شگرف بود. آکانی لبقاتی و نظم آهنین مبارزان انحصاری ستایش اندیز بود. موج وسیع انحصار و سایر اقدام های متمدنی و محبتی از آکانی و بهیاری بازم بیشتر طبقه کارگر ایران و تشک و سازمان یافتگی بازم بیشتر آن حکایت می کرد.

و جمع اصناف بارگزاران

روزنامه آیندگان در شماره چهارم اسفند ماه ۳۵۴ خود مقاله داشت زیر عنوان: "روزگار طخ آن سگه پسته خندان می کنند". این مقاله سند رسواکننده‌ای است از وضع توده‌ها عظیم کارگران در شرایط سنتی که تمام ادعای بی‌شومانی شاه را ابرافیا نثر برادر مردم زدگی و کارزمتکشان چنین ماردی کند. برای این که تصور نشود مطالب آن نوشته تنها برای زنان و متکشی که در کارگاه مورد بازدید کارگر می‌گردند صادر است و نویسندگان خود را این طور آغاز می‌کند:

"کارگران باغ‌های چای و کارگران قالی‌بافی و کارگران پسته و کارگران... کارگران همه کارهای سنتی و وضعی - مشابه هم دارند و وضعی که با بی‌بیکاری از فراست‌ها و اقتضای روزگار ما این نیست.

برگسنگر بالای مقاله را نگاه کند که نشان دهنده منظره کارگاهی است که در شرایطترین وسطایی کسار می‌کند حالت بقا و واکنش است. آلود نویسنده وزارتین را می‌فهمد و می‌داند که روزنامه متعلق به موسسه فرانکلین آمریکایی و گرداننده‌ها: جناسوس سیا و عضو هیئت اجراییه حزب رستاخیز باشند.

نویسنده سپس چنین ادامه می‌دهد:

"تمامی پسته استان کرمان را در شرکت سهامی رستک شرکت تعاونی مطالعه می‌کنند و این شرکت با پیردانشت پائین ترین رقم مقرر به کارگران کارگاه‌های خود سود ششگتی را که تنها در سال گذشته به یک میلیارد ریال رسیده است به جیب شرکتها و سهامداران خود می‌ریزند."

"هم اکنون در سالن پسته پاک کمی شرکت صادرات پسته کرمان که در دیدار نمایندگان رسانه‌های گویوسی از تاسیسات صن سرپوشه کرمان به بازدید گذشته شد شتاد زن کارگر و برترین از این نا با بچه‌های قدونیم قد به امید تاهین بخشی از هزینه زندگی خرید کاری کنند که اگر بتوانند در یک کار تمام وقت بیست کیلو پسته در سن پسته را در روز بندان کنند و قفل ۵۰ ریال مزد می‌گیرند. این کارگران کارشان از صبرماه آغاز می‌شود و معمولاً تا آخر سال و در سال‌های زیارتو تا اریهشت ادامه پیدا می‌کند و بقیه سال را بی‌کارند."

نویسنده در پایان مقاله دردی می‌نویسد:

"با این شرایط باید به حال این کارگران که بایک کارشیمان‌نوری و اوقات نرسا سالانه میلیون ریال سود کار خود را به جیب‌ها می‌ریزند نظری کرد تا آینده آنان نیز مانند روزگار قالی‌بافانی که سال‌ها شیوه زندگی خود را به بیچارگان کارگاه‌ها انبخته اند نشود."

این بود سخنانی از امتزافات آیندگان درباره وضع کارگران.

این‌ها تصحیحات لرزاننده را در مورد وضع کارگران هنگامی می‌خوانیم که کشور به ظاهر قانون کار دارد عهد اقل دستمزد به نیروی رسمی اعلام شده و صحبت از تاهین اجتماعی و بیمه بیکاری و حفاظت و امنیت کارمندان اکثر است. کار روزانه و تعطیل مفتگی و مرخصی سالانه با استفاده از حقوق و حتی صحبت از سهام‌ارشدن و سرمایه دار شدن کارگران در میان است و شاه وجود استشار را در کشور سرچا انکاری کند. ولی در باره ساده ترین تقاضاهای قانونی کارگران مطرح می‌شود، مشتت آهنگین خود یعنی سازمان امنیت و پلیس و ژاندارمری و سایر مغز آنان فرود می‌آورد.

سرود پستچی

شعری از بهارز شهبید

باید که دست بداریم یاران
باید که چون خیز بخروشیم
فریاد‌های ما اگرچه رسا نیست
باید یکی شود

باید تبیدن در قلب اینک سرود
باید کسرتی در زمین‌های یک پرچم
باید که قلبها

سرود و پرچم ما باشد
باید در هر سینه‌ی روز
نزدیک تر شویم
باید یکی شویم

اینان براس شان زبانکی ما است
باید کسرتند
البیحه خاخر

از چشم‌های
باید که گولوت تشنه
میزبان خیز باشد

باید که بر دفتر
از چشمه‌ای شمالی بی‌نصیب نماند

باید که دست‌های خسته بهاسایند
باید که سفره‌های همه رنگین
باید که خنده و آینه‌ی جاسی اشک بنیور

باید بهاره
در چشم کودکان جاده‌ی
سبز و شکفته و شاداب

باید بهار را بشناسند
باید "جوادیه" بپول بناشود

پل‌های این شانه‌های ما.

باید که رنج را بشناسیم
وقتی که دستور رحمان

باید که تب در ساخته می‌شود.

باید که دست بداریم یاران!
باید که قلب ما

سرود پرچم ما باشد.

دو گزارش از شرایط زندگی و مبارزات

کارگران نوب آهمن اصفهان

مجتمع نوب آهمن اصفهان ده ها هزار کارگر دارد و بیشتر قطب صنعتی کشور است و اما کارگران این مجتمع با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو هستند که بیستمه ماهه اعتراض و مبارزه آنان می شود. دستمزدهای کارگران کم است و کفایت کمیترین هزینه زندگی را هم نمی دهد. حتی تکسین تاو - مهتد سلطان از کمی حقوقی خود ناراضی هستند. دولت در مقابل اعتراض کارگران پشت سر هم تپل می دهد ولی اجرا نمی کند.

مسکن یکی دیگر از دشواری های بزرگ است که در باران بردن پیش از نوب در صد کارگران سنگینی می کند. گرانی اجاره بها و کمبود مسکن در اصفهان و به خصوص برای کارگران غیر بومی و غیر قابل تحمل شده است. وضع خانه سازی در آریانه شهر بسیار ناپسند است. کارهای ساختمانی تعطیل شده و ساختمان های دوازده طبقه نه آب دارند و نه آسانسور.

وسيله رفت و آمد پلاي جسمي و روحي بزرگي براي کارگران نوب آهمن شده است. هر روز اجتماع عطشمنی از کارگران - چشمکین در جستجوی وسيله ای هستند که خودشان راه سرکار برسند و لھصاب خود را در راه کارخانه خود بید نشاء را خیر سازند سپس جریبه تاخیر نیز می برد از نوب بهره کسی از کارگران نوب آهمن ایحاد و حشمتناگی به خود گرفته است. به علت کمی دستمزدها آنان مجبورند اضافکاری کنند و از ۵ صبح تا ۶ یا ۷ بعد از ظهر گرفتار باشند و مانند جسمی بی روح به خانه بازگردند.

در قسمت های کارگری فداکاری وجود ندارد. کارگر خانواده داری که در برابر هشت ساعت کار فدا نیست و بیست و پنج تومان حقوق می گیرد و نمی تواند غذای هفتاد بخورد و هزار خانواده های گرسنه خواهند ماند.

کارگران دیگر مدت ها است که به انگیزه این ظلم استعمار اهلقاتی می بردند و بین هم پیچ می گفتند: "آخر چه راستماره این که میرواست و ما این زندگی سگی را داریم اما بالای ما کور کور رخت و پاش می کنند و به جیب می زنند. آخر چرا این قدر اسلحه می خرند و ما خودمان فقیریم اما به کشور های دیگر قره می دهیم. چه در می دزدند و پول نفت چه می شود؟"

دولت نیروی فشار قابل ملاحظه ای را در کارخانه مستقر کرده است. گرفتار انتظامی کارخانه و ماموران سازمان امنیت و ژاندارم که نیرو های تربیتی در مقابل منافع کارخانه هستند دارند و هر روز جلوی چشم کارگران تمرین می کنند تا آنان را برسانند. همه این ها از روی قصد به کارگران توهمین میکنند و زهری گویند. کارگر به کمترین بهانه ای اخراج می شود. هر روز جلو

در کارگرنی گروه کثیری از کارگران اخراجی جمع می شوند. به روسا رهنمود داده شده است که اگر کارگران سوار شوند و دیگر نمی شود آن ها را پیاده کرد. مسئله این جا است که نباید گذاشت سوار شوند.

حشمت از طبقه کارگر به هنگام دیدار از پیر شاه از کارخانه نوب آهمن پیش از هر وقت دیگر آشکاری شود. روزی دیدار شاه کارخانه به قرارگاه مخوف. نظامی تبدیل شده بود. در تمام مسیرهای داخلی کارخانه گارد های بیوه و ساواکی ها گروه های غیرت حضور کرده بودند. گروه کثیری از کارگران راه کارخانه راه ندادند. رفت و آمدها در تمام جاده ها اطراف متوقف کردند. کارخانه و تاسافت در دست و در اشغال نظامی بود. به این ترتیب شاه به میان کسانی آمد که مدعی است پشتیبان اصلی رژیم او هستند! واقعا به چشم دیدن بیگانگی شاه و کارگران در آن روز تماشا می بود

مبارزه کارگران نوب آهمن اصفهان در شهر فلاورجان

شهر فلاورجان میان کارخانه نوب آهمن و شهر اصفهان قرار دارد و نزدیک به چهار هزار نفر از کارگران نوب آهمن با خانواده های خود در آن زندگی می کنند. اکثر کارگران مزدور محلی نیستند و به خاطر گرانی اجاره بها در اصفهان زندگی مسکن در کارخانه به زندگی در این شهر تن در داده اند. برای این انبوه عظیم کارگری تنها سه اتوبوس سرویس پیش می بیند شده است. از این رو است که کارگران فلاورجان پیش از دیگر همکاران خود هر روز پیچ تاخیر و کیفیت ناموجه می برد از نوب.

روز چهاردهم بهمن ماه سال گذشته کارگران فلاورجان تصمیم گرفتند که با این وضع تحمل ناپذیر سه قطبانه جدی ببرد از نوب. خبر گوش به گوش گشت و صبح روز بعد تمامی کارگران فلاورجان اعتراض کردند و سوار اتوبوس های سرویس نشدند.

شهر کوچک فلاورجان به وسیله پل کوچک واریکی به جاده اصفهان وصل می شود. لکه مرکزی شهر مقابل پست قرار دارد. کارگران ابتدا در لکه جمع شدند اما انبوهی از آنها اعتراضی از آن ها برخاسته و ژاندارم و مامور رسیدند. کارگران با خون سردی خواست و شکلات خود را با یکایسک ژاندارم ها در میان گذاشتند و تاکید کردند که قصد دیگری جز تهیه وسیله نقلیه برای رفتن به محل کار خود ندارند ولی مسئول ژاندارم به افراد بی دستبند کارگران را - متفرق کنند. کارگران با اجتماع در برابر پل فلاورجان راهپله شهر را با خارج تعلق کردند. همین که خطبه ژاندارم ها آغاز شد و برای آن ها نیروی کمکی رسید. کارگران

رویدادها

اعتصاب کارگری

۱- اعتصاب کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران

در اوایل آبان ماه سال گذشته کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران مبارزه اعتصابی پنج روزه موفقیت آمیزی را پشت سر گذاشتند. ما بهر از این تزار بود که کارگران با توجه به شرایط دشوار کار و پاره کنی بی بندوبار و حق الحاقه در کارخانه در دست گرفته شد به جای یک ماه حقوق به عنوان سود ویژه در ازای شش ماه کار معطل دو ماه حقوق به عنوان سود ویژه برای مدت شش ماه به آن پرداخت شد. بدیهی است این تقاضا یا مقاومت کارفرمایان روبرو آوردید و ملاحظه فرماید که در کارگران کارخانه ایران سیلندر و در مبارزه با کارفرمایان - اجماع خود تجربه تلخ و بیخاموزی داشتند. آن سال گذشته برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند ولی اعتصاب سه روزه به علت سستی اتحاد و نبود تجربه با شکست روبرو شد و نمایندگان کارگران به نام حاجیان از کارخانه اخراج گردیدند. در اعتصاب نایب سال قبل کارگران موفق به کسب کمترین امتیازی نشدند و حتی یکی از کارگران به عنوان اعتراض - نمیدانم به روی کارگری کارفرما از پستی شغلی - معجانه بود بی در رخ رژیم بر روی آوردند و دست به تودکشی زدند و دستاورد این تودکشیهاست اعتصابی که تیل در

خوبی به کارگران داد و آنان با ارزیابی نقاط ضعف و قوت این اعتصاب در اوایل آبان ماه سال گذشته مبارزه جدیدی را به دست گرفتند و موفق شدند. کارگران این بار در کارخانه حاضر شدند و در پشت ماشین قرار گرفتند اما کار نکردند و اگر کار کردند بازده آن قدر ناچیز بود که اصلاً به حساب نمی آمد. کارگران از میان خویش کسانی را مامور کرده بودند تا گوش به زنگ باشند و هرگاه نماینده وزارت کار یا مامورین امنیتی به سراغ شان آمدند آن مامورین را معطل کنند تا در برابر آن مابه کارهای خود بپردازند. در نیم روزی که اعتصاب کامل حساب شده کارگران ادامه داشت مبارزه کار در کارخانه از یک دهم روزهای معمولی هم پائین تر آمد. این وضع برای کارفرمایان قابل تحمل نبود و اولیاً کارخانه سرانجام در برابر مبارزه متشکل یک پارچه کارگران عقب نشینی کردند و سود ویژه یک ماهه آن را از یک ماه حقوق به یک ماه ونیم افزایش دادند و تصدیق کردند به زودی آن را تا اتمام ل دو ماه حقوق بالا ببرند. در کارخانه ایران سیلندر حدود ۵۰۰ کارگر کار می کنند که همه آن ها در اعتصاب شرکت داشتند.

۲- اعتصاب کارگران کارخانه های نساجی شهنواز و نساجی پشمیاف

کارگران کارخانه های نساجی شهنواز و نساجی پشمیاف دست به اعتصاب زده و عملی رقم حملات سازمان امنیت کسب موفقیت کردند. این کارخانه ها به عهد انیان تعلق داشت که شاه از دست او گرفت. از موقعی که اداره کارخانه ها به دست دربار و دولت افتاده فشار به کارگران تشدید شده است. بیش از یک سال بود که سود ویژه کارگران را - نمی پرداختند. سرانجام کارگران شهنواز دست به اعتصاب زده و جلوی کارخانه اجتماع کردند که در میان همه کارگران اصفهان انعکاس وسیع یافت.

کارگران پشمیاف نیز به اعتصاب دست زدند. مدیریت کارخانه با پرداخت شش ماه سود ویژه موافقت کرد و اعتصاب موقتاً پایان یافت. اما ساوا به بهانه های گوناگون تمدد کثیری از کارگران را دستگیر کرد. آنگاه کارگران برای آزادی رفقای خود باید یک دست از کار کشیدند و سر از چند روز - ساران اجباراً عقب نشست و اکثر کارگران دستگیر شده آزاد کرد. در جریان اعتصاب توکات ای به اعضای حزبیتوده ایران در میان کارگران منتشر شده با استقبال گرم آنان روبرو گردید. البته کارگر اصفهان که دریایه گداری و تحکیم حزب پیشاشک طبقة کارگر حزبیتوده ایران نقشه فحالی داشته امروز نیز در کار احیای سازمان های حزبیتوگستر سازماندهی

انجام دادند به آسانی تسلیم سرنیزه و زجر شوند. آن مابه حقانیت خواست ای خود انیمان داشتند. آنست مقاومت شعله کشید. از این رو چند تن از مقامات ذوب آهن و نیز مسئولان ساوا - خود را به جیل دادند رساندند. زاران کارگر - ششمین در حال نبود یافتند آن بودند. صحنه باشکوهی بود. تگای به وضع نشان می داد که بازگویی از پیش نمی رود، مگر این که بیوی شهن جاری شود. از این جهت نوکران رژیم از درد بگری وارد شدند و به کارگران قول دادند که ماشین به اندازه کافی در اختیار آنان بگذارند. پس از مدت ها که کارگران پل را باز کردند و به ساوا اتوبوس مینی بوس و اتومبیل سواری که در این مدت در طرف پل توقف کرده و سرنشینان شان را در این مبارزه باشکوه کارگری بودند و امکان دادند تا به راه رود ادامه دهند.

نیز پیروز شدند. زاران کارگران در میان کارگران در اصفهان و شهر خود. ما بیست و نه نفر آباد و نقات دیگر بازتاب گسترده و ریاضت. بعد با تریه آموزی از این اتحاد اینک باز به و صدمه مانعی نداشتند. جز آفتنی است. این بیروزی کارگری به بدید و همکاری آنها و ما در زیر سنگین ترین فشار های پلیسی و در شرایط انتقاز و حیثیانه کارگران آن به سختی استقامتی شده داده است.

انقلابی فعالانه می‌کوشد.

بودند و برپوشند و چاره‌های جز نرمنی و مذاکره نیافت.
 نمایندگان کارگران خواست‌های خود را به این شرح
 با بخش اردر می‌انگاشتند:

۱- ماهه جای هشت ساعت کار محرومانند و از دست
 کاری کم و چهار ساعت بی‌گرمی است. برای این چهار
 ساعت اضافه کار اجباری دیگری به ما نمی‌دهند. ما باید
 این بی‌گرمی قطع شود و ما باید اضافه کار ساعتی و موافق
 قانون کار به ما پرداخت گردد و روزهای جمعه ما مجبور
 به کار هستیم. این مغایر قانون کار است. کار اجباری جمعه
 ما باید قطع شود و دستمزد ما محدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان
 است که هیچ اضافه حقوقی و اضافه کاری بر آن افزوده
 نمی‌شود. ما توجه به گرفتن روزانه ما محتاج زندگی و این
 مبلغ فقط تکافی گریه کردن را می‌دهد. درباره افزایش
 حقوق ناچیز ما باید شرایط زندگی و سطح کفایت
 ما محتاج مادر نظر گرفته شود و هفت درصد از حقوق ناچیز
 ما بابت بچه‌گسری شود یعنی آن که کمترین خدمات - -
 بهداشتی یا درمانی در اختیار ما قرار گیرد. کارگران جدا
 می‌خواهند که امکان استفاده از پزشک و دارو و درمان برایشان
 فراهم شود و تا ماهه از کارخانه بسیار است. از این
 جهت تاگزیریم نظارتی از حقوق ناچیز خود را بابت هزینه
 رفت و آمد بپردازیم. باید در مورد سازمان دادن سرور
 حلقه و نظارت رایگان از طرف کارخانه اقدام فوری شود.

بخش اداری از مشورت با رئیس و اتد امری بدرسیر رئیس
 کارخانه از کارگران چند روز فرصت خواست تا به
 نمای آنان جا حاصل بهوشاند. کارگران سه روز صلوات اند
 و اتمام حجت کردند که باید در این مدت رسیدگی کامل به
 خواست‌ها و تحقق بکنیم آن را انجام گیرد.
 با توجه به خواست‌های کارگران کارخانه بدرسیر که
 تازه در صورت عطی شدن یک زندگی محق و سختی را
 برایشان میسر کند، می‌توان وضع توده‌های عظیم کارگران
 را در سرزمین پز ثروت و پر نعمتی، بکه به قتل آریامهرسی شرم
 به دروازه تمدن بزرگ رسیده و مجسم کرد.

۱- انتصاب کارگران بخش از مجتمع فولاد ارمواز
 در حدود اوایل بهمن ماه در کارگاه سیستم کارخانه
 آلمانی که یک قسمت از مجتمع فولاد ارمواز را می‌سازد کارگران
 دست به انتصاب زدند و نسبت به حقوق خود اعتراض کردند
 تا جایی که ما ابزار تنفر از کارفرمایان آلمانی و امریکایی فریاد
 می‌زدند که چرا یک آلمانی ده برابر یک شخص ایرانی پول
 می‌گیرد و در صورتی که همه کارش را ایرانی‌ها انجام می‌دهند و
 فقط آن‌ها اول صبح می‌آیند تا ساعت ده و فقط ما می‌ندیم
 نوبت دفتر می‌نشینند و بعد از لحاظ فراد.

صدای کارگران و تکسین تا بالا گرفت و می‌ندیم
 دستپاچه کرد. اول سخن کردند با زبان و همه و بعد کارگران
 را به سرکار برگردانند. اما کارگران بیشتر مصیبتی شدند و

۳- انتصاب کارگران تراکتورسازی تبریز (آذرماه ۱۳۵۴)

کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز برای افزایش دستمزد
 و سایر پشتیبانی از کارگران اعتراض کرده کارخانه
 دست به انتصاب زد. نیز ۱۵ و ۱۵ و ۱۵ و ۱۵ و ۱۵
 اولیا کارخانه برای حضور کردن کارگران، از چهارموسمه
 و از سرگرفتن کار تاکنون به نتیجه نرسید.
 چندی پیش از آن کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز
 به دولت‌های اقتصادی دست به انتصاب زدند که
 مسئولان کارخانه با هیچ دروز کلکی نتوانستند بر آن فائق
 آیند. اما سرانجام آن انتصاب به اخراج گروهی از کارگران
 انجامید. اینک کارگران کارخانه تراکتورسازی با انتصاب
 به حمایت از برادران اخراجی خود برخاسته و بازگشت
 آن‌ها را به سرکار و استوار شدند.

۴- انتصاب کارگران خرد ارمواز

در حدود هزار کارگر کارخانه خرد ارمواز از اوایل آذرماه
 دست به انتصاب زدند که چندین هفته طول کشید. طبع
 انتصاب کارگران کارخانه خرد امتناع مسئولان از تقسیم سود
 ویژه در بین آن‌ها بود. کارگران که مبارزه آگاهانه‌ای را با
 کارفرمای چپاولگر خود آغاز کرده بودند با توجه به شرایط
 اختلافی ایران و دشمنی او و وحشیگری پلیس ساواک
 در برخورد با خواست‌های کارگری، انتصاب خود را به این
 نحو سازمان داده بودند که در سر کارخانه می‌شدند
 اما کم کاری کردند و اشتباهات و غفلت‌های عدی در
 جریان کار وقفه ایجاد می‌نمودند و محصول کار اصلا
 سطح زیادی پائین می‌آوردند. مفر شاه به
 و دیدار او از کارخانه خرد ارمواز در حالی انجام گرفت که
 صد کارگر در حال انتصاب بودند.

۵- انتصاب کارگران قد بدرسیر کرمان

شهرستان کوچک بدرسیر در نزدیکی کرمان و در اوایل
 دی ماه سال گذشته شاهد یک انتصاب بدرسیر و شکست
 انگیز کارگری بود. چهارصد تن از کارگران کارخانه قد
 بدرسیر با تقاضای تعدد در صورتی فشرده و نظمی
 آئین از محل کارخانه به راه افتادند و شش کیلومتر
 فاصله کارخانه و بخش اداری را پیاده می‌پیمودند تا اتمام
 حجت خود را درباره تغییر شرایط غیر انسانی و غارتگرانه
 کار خود در میان بگذارند. نام یک باره و حرکت هم
 کارگران شهروستان کوچک بدرسیر را بنگار داد و گروه
 بزرگی از مردم را نسبت به کشیک‌های و سپس به
 با کارگران انتصابی کشاند.

بخش اردر بدرسیر وقتی با انبوه کارگران خشمگین و جمعیت
 گشتری که به وادارو آن‌ها را برادر بخش اداری اجتماع کرده

کارآنان دشوار دستمزدشان ناکافی است. صاحبان پشم امپهان در اوایل سال گذشته ناگهان وضع شیفت بندی کارگران را به هم زدند و مقرراتی تعیین کردند که براساس آن مدتی شیفت شب و مدتی در شیفت روز کار کنند. باین - تصمیم بودت استعمار کارگران افزوده شد. کارگران - می باید مدت بازهم بیشتری وقت صرف رفت و آمد کنند و همواره در خدمت کارخانه باشند. عده ای از کارگران این وضع انحطت نکرده و کارخانه ترک کرده اند. غیبت این کارگران فشار کار را به کارگران - در کارخانه افزایش داده نمودی که در آخرین ماه های سال گذشته در کار مجبور بود به جای يك ماشين و صفر ليت و ماشين را به عهده بگیرد. این تکلیفی شاق و تقریباً تحمل ناپذیر بود. کارگران از صاحبان کارخانه خواستند حالاکه کارآنان را برابر شده و دستمزد های آنان را به همان ترتیب بالا ببرند. به علاوه آن ها اعلام کردند که با توجه به سود سرسام آور کارخانه در سال گذشته و و اما آن سه ماه سود ویژه و یاد این شب عید هستند. و تا هنگامی که تقاضای آن ها به طور کامل تحقق نیابد و دست از کار نخواهند کشید. لغتصاب کارگران از روز به عید مانده شروع شد. کوشش کارفرما به اشکال مختلف برای مخنت کردن لغتصاب به جایی نرسید. و پس از تحلیلات نه روز نیز کارگران لغتصابی از اجناس در کارخانه خود داری کردند. این لغتصاب در قمار فرودین ماه اسفند و لحد عظیم صنایع پشم امپهان را عملاً فلج کرد.

۱۶- لغتصاب و استحقاق جمعی از رانندگان

ذوب آهن - اصفهان

در نیمه اهل فروردین ماه ۴۰۰ نفر از رانندگان ذوب آهن اصفهان به عنوان اعتراض به کمی دستمزد و شرایط سنگین کار به طور جمعی استعفا کردند. رانندگان درجه يك ذوب آهن روزانه ۰۰ ریال و سایر درجات ۲۴۵ تا ۳۰۰ ریال دستمزد می گیرند که برای تامین هزینه کمر شکن زندگی کافی نیست. در ضمن لباس کار و سایر مزایا نیز به آن داده نمی شود که خود موجب - اعتراض رانندگان است. به علاوه از رانندگان روزانه دوازده صحت یعنی چهار ساعت اضافه کاری کشند و آنان مجبورند در جاده های خطرناک با جان خود بازی کنند.

۱۷- لغتصاب کارگران کارخانه لوله

و ماشین سازی ای - اصفهان

کارگران این کارخانه از اوایل فروردین ماه دست به لغتصاب زدند. لغتصاب آنان مدت نوزده روز ادامه یافت و با موفقیت پایان پذیرفت. کارگران توانستند اضافه دستمزدی را که تقاضا می کردند کسب کنند.

که شایع است روساز، حزب دستاخیز تمام بودجه راه جیب زد ماند.

۱۴- لغتصاب کارگران - صیبا تهران

کارگران کارخانه جات ساختمانی صیبا تهران در مدت آذر اسفند به مدت سه روز برای دریافت فیدی و حسن اولاد که همیشه دریافت می داشته اند، ولتی در سال گذشته مسئولین امیران پرداخت آن - خود داری کرده بودند دست به لغتصاب زده و از کار امتناع کردند. کار به دخالت رانندگان از اکتید و لغتصاب را شکستند. کارگران این کارخانه به علاوه بر آن که حقوق مورد تقاضای خود را دریافت نکردند، تا مدتی حتی حقوق عاری - در درانیز دریافت ننموده بودند.

۱۳- لغتصاب کارگران شرکت ساختمانی ایما نا

عیدی کارگران شرکت ساختمانی ایما نا شرکت مطالعه کاری که کارهای ساختمانی مجتمع فولاد امیرانرا انجام می دهد پرداخت نمی شود. روز بیست و ششم اسفند کارگران صبح جمع می شوند و با سهند سرعابدی مذاکره می کنند. سهند سرعابدی می کند و کارگران نیز واکنش نشان می دهند: رانند امری خوبی شود و ژوند ارم ما سه نفر را دستگیر می کنند. روز بعد صبح کارگران جمع می شوند. نمایندگان کارگران با نمایندگان شوکت مذاکره می کنند ولی این مذاکره به جایی نمی رسد. رانند امری سه نفر دیگر را دستگیر می کند. قرار می شود بعد از عید صبح را پرداخت نمایند. در این مدت شرکت شروع به اخراج کارگران می کند. تاکنون سرحدود یک سوم کارگران را اخراج کرده اند. از کارگران دستگیر شده سه نفر آزاد کرده اند و از سه نفر دیگر خبری نیست.

۱۴- لغتصاب کارگران کارخانه گونی بافی رشت

در کارخانه گونی رشت به کارگران جمعا پنجاه روز حقوق بابت با داری سود ویژه پرداخت نشده که کارگران به عنوان اعتراض به کمی آن و همچنین برای افزایش دستمزد يك روز لغتصاب کردند.

۱۵- لغتصاب کارگران صنایع پشم اصفهان

کارگران صنایع پشم اصفهان که در روز قبل از عید دست به لغتصاب زده بودند هم از عید نیز لغتصاب خود را ادامه دادند. اما نیز از نتایج این لغتصاب خبری نداریم.

صنایع پشم اصفهان یکی از کارخانه های جدیدی و معتبر کشور است. این واحد بزرگ صنعتی که از صنایع عهده تهیه پارچه ایران است در تمام بیست و چهار ساعت به کار اشتغال دارد و کارگران با حقوقی که در شرایط امروز به هیچ وجه تکافی زندگی ساده آن ها را نمی کند در وضع شیفت با سه نوبت هشت ساعت به کار گرفته می شوند. شرایط

۱۸- انتصاب کارگران بی. اف. اف. گودرید

در این کارخانه حدود ۲۴۰۰ کارگر در سه نوبت کاری کنند و در ساج بالا، از آکادی و مصطفی طبقاتی قرار دارند که نمونه آن انتصاب محدودی آن با کارگران انتصابی کارخانه لوله سازی است که در جاده کرج رزروی کارخانه بی. اف. اف. گودرید قرار دارد.

انقضای ۲۱ فروردین کارگران بی. اف. اف. گودرید برای تقاضای خود نیز دست به انتصاب زدند. تقاضای این کارگران به شرح زیر بود:

- ۱- افزایش دستمزد به میزان سی درصد و
- ۲- لغو تصمیم کارفرما مقرر به افزایش ساعت کار روزانه از ۸/۵ به ۹/۵ ساعت و
- ۳- لغو تصمیم کارفرما به بالا بردن واحد تولید در واحد زمان که موجب شده بدیده کسی از کارگران است و
- ۴- لغو جریمه فحش که در برابر دستمزد ساعت پارو ز قیمت است و

۵- متوقف کردن جریان اخراج کارگران با سابقه و استناد ام کارگران جوان و تازه کار با دستمزد کمتر.

علی رغم حملات پلیس که منجر به دستگیری چند تن از کارگران شد کارگران تا چندین هفته به مبارزه ادامه دادند.

۱۹- انتصاب کارگران کارخانه ارج

کارگران این کارخانه در اردیبهشت ماه دست از کار کشیدند. آن ماه کمی دستمزد و بدی غذا و بوفه آشپزی کارخانه که پول آن از دستمزد کارگران کسر می شود ساقط داشتند و استاز بهبود شراب انگار بودند.

تاسیسات ارج پیش از سه روز از کار بردارند و واحد ارجی محل پس از اتمام از آغاز انتصاب کارخانه را محاصره کرد تا جلوی تظاهرات خیابانی کارگران و با حرکت دسته جمعی آنان راهسوی تهران بگیرد. شایع بود که کارگران برای چنین حرکت دسته جمعی آمادگی شوند تا اعتراضات خود را به وزارت کار برسانند. محاصره کارخانه با واکنش شدید کارگران روبرو می شود. آنان از کارخانه خارج نشدند اما بالاخره موافقت کردند که موافقت مدیریت کارخانه را پس برخی از تقاضای خود جلب کنند.

۲۰- انتصاب کارگران کارخانه بوتان گاز

کارگران کارخانه بوتان گاز که اکثر آن ها دستمزدی بین دوازده تا پانزده تومان در روز دارند و چندین پیش دست به انتصاب زدند. آنان استازسی درصد افزایش دستمزد بودند. خبر حاکماتی از آن است که مدیران کارخانه با تقاضای کارگران موافقت کردند اما ساواک موافقت نکرد و خواستار شدت عمل شد. ساواک دستمزد ادکمهه کارگران انتصابی به عنوان کسانی که گویا به صلح خویش کسار خود را تراض کرده اند و اخراج شده به حساب آیند و چنین حتی

به آن داده نشود. طبق دستور ساواک از اول خرداد ماه دفتری در کارخانه گذاشته شد که از نو کارگران انتصابی را اگر به سرکار برنورند همه عنوان کارگر بد الیه و اسم نویسی کنند. دستمزد جدید کمی بالاتر از دستمزد قبلی است اما همه سوابق و مزایای کارگران از میان می رود.

ما مطمئنیم که کارگران ایران برای مقابله با شدت عمل ساواک اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد و سازمان های پنهانی وطنی خود را باز هم بیشتر تحکیم خواهند کرد و به جوشیاری خود خواهند افزود. شدت عمل سازمان امنیت نمی تواند در محیط های کارگری که در آن ضابطه سرمایه داران به طور مستقیم زیر نمره قرار دارد موثر باشد و با هیچ گونه شدت عملی نمی توان کارگری را که روزانه کمتر از بیست تومان دستمزد می گیرد و بیاز و سیب زمینی را کله می بیند تومان می خورد به کار اجباری مواد داشت.

۲۱- انتصاب کارگران کارخانه چینی سازی مینا

کارگران این کارخانه واقع در شهر کلمونته قزوین به عنوان اعتراض به شرایط نامناسب کار و این بودن دستمزد نام در اردیبهشت ماه دست به انتصاب زدند و به طور دسته جمعی برای مذاکره با مدیر کارخانه به جلوی ویلا می آوردند. در آن جا تظاهرات وسیعی انجام گرفت و اما مدیر کارخانه با دعوت و اندام ۱۵ به جان کارگران افتاد. هم اکنون ویلا مدیر به اور دانی زیر محافظت مأمورین گشت واند ارجی قرار دارد.

۲۲- انتصاب کارگران کارخانه سیمان تهران

صدها کارگر کارخانه سیمان تهران چندین پیش دست به انتصاب زدند. در اسرخواست های کارگران اینجانب دستمزد قرار داشت زیرا برای مردم عادی و به ویژه زحمتکشان کشور با دستمزد های گزافی امکان زندگی حتی در بهترین ترین سطح توقع به سختی امکان پذیر است. قیمت ها علی رغم ادعای مقامات رسمی کشور با سرعت چنین آهنگی ترقی می کند و تمامی فشارها در حساب آخسر بردن کارگران و زحمتکشان است.

کارگران سیمان پس از آن که تمام تقاضای ایشان رد شد دست به آهنگ حربه یعنی انتصاب زدند و اسادر سوابق که در نوع انتصاب با سر نیزه رژیم خونخوار ساواک روبرو است و کارگران بوسر کارخانه شدند اما کم کاری کردند و آنگاه که اسوار کارفرما از حد گذشت با سهیل انگاری های عادی باعث توقف تولید گردیدند. کارخانه عملا از کار افتاد و کاملاً طغ کرد و در نتیجه در میزان تقاضای کمتر بیان تجدید نظر شد. سرانجام کارفرمایان مجبور شدند با قسمتی از خواست های کارگران موافقت کنند. اما به قرار اصلاح عدای نیز دستگیر شدند.

بروئنا را برای بدست آوردن قدرت حاکم هیچ سلاح دیگری جز ساز و آواز می اندازد. لااچسب ندارد. لنین

۲۳- لغتصاب کارگران معدن نغال سنندج، شامبرود

کارگران معدن نغال سنندج شامبرود از صبح روز شنبه پنجم اردیبهشت ماه لغتصاب گسترده و صصی را آغاز کردند. بهین از هزار کارگر معدن در این لغتصاب شرکت جستند. کارگران خواستار برقراری مجدد اضافه کار خویش بودند که ناگهان بدون دلیل قلع شده بود. باتوجه به هزینه سرسام آور روزافزون زندگی و با توجه به قیمت های نامعقول - مایحتاج روزی از جمله سکن و بهداشت و غذاه حمل و نقل و نیز باتوجه به سطح بسیار ناازل دستمزدها - کارگران این اضافه کار برای کلیه کارگران نقش حیاتی دارد. کارگران برای برقراری مجدد اضافه دستمزده خود پیشنهاداتی به مسئولان معدن دادند اما اصرار و ابرام آنها با پاسی تفاوتی بی لغتصابی کامل رویرو شد. چند تن از مهندسان خود فروخته معدن که در واقع عمال دولت هستند در کنار پیشبرد مدعی ای کارگران کارشکنی می کردند. سرانجام برای کارگران معدن نغال سنندج که در سخت ترین و خطرناک ترین شرایط کار هستند چاره ای جز لغتصاب باقی نماند. آنها با تشکیل و یک پارچگی کمپننری لغتصاب خود را آغاز کردند. کلیه کارگران به لغتصاب پیوستند. اما ماموران خود فروخته دولت با پرخاش تهدید و کارشکنی به مقابله با کارگران لغتصابی برخاستند. کارگران پس از این برخورد به شدت عصبانی شدند و اندام آنها به مصیبت افراد ویژه ساواک کارگران لغتصابی را زیر نظر قرار دادند. کارگران مصحمانه برای تحقق خواست های حقه خود تا حد ممکن به مبارزه یک پارچه و جدی خود ادامه دادند. تسبی از نغال سنندج نوب آهن آریامهر از معدن نغال سنندج شامبرود که نزدیکی شهر شامبرود قرار دارد، تا همین می شود.

پنج تن از کارگران نوب آهن قربانی شدند *

روز ۱۸ اردیبهشت ماه پنج تن از کارگران نوب آهن که برای انجام کاری غیر از تخصص خود در قایق نشاند شده بودند غرق شدند. این خبر در روزنامه «انیز درج شد ولی ادعا شد که گویا کارگران قصد تفریح با قایق داشتند اما واقعتاً حادثه این است که نه تن از کارگران نوب آهن طبق دستور شیبانی به دریا آمدند و در یک قایق کوچک نشاند شده بودند تا دیوارهای دریاچه ای را که ایشان برای باشگاه از مابستران ساخته اند رنگ کنند. قایق در حین کار برمی گرد و پنج نفر از آنه نفر سر نشین آن غرق می شوند. باشگاه مزبور با بودجه سازمان نوب آهن ساخته شده و قرار بود مادر فرج برای باز دید از آن بیاید. اما در همین وقت آب زاینده رود بالا آمده و کمی مضاره آن را غرق کرده بود. طبق دستور شیبانی کارگران ساختمانی و عده ای از کارگران سایر قسمت های نوب آهن را به حوطه باشگاه فرستند و شب روز به کار وای دارند تا برای پذیرایی صادر فرج دیبا آماده باشد. در همین جریان بود که پنج تن از کارگران جان باختند. این حادثه باعث تأثر و تاسف شدید همه کارگران نوب آهن شده و در میان کارگران امشبان موجی از غشم برانگیخته است.

خبری از کارخانه پارس توشیپای رشت *

این کارخانه دو هزار نفر کارگر و کارمند دارد. ۶ درصد سهام کارخانه و صد درصد مدیریت کارخانه در دست سرمایه داران ژاپنی است که حاصل زحمات کارگران ایرانی را غارت می کنند. بهین از ۶۰ درصد کارگران کارخانه رازبان تشکیل می دهند که دست زدن آنها پیرا از سه ماه کار پانزده تومان است. و کمترین پیدی می شود که دستمزدها به بیست و پنج تومان برسد. وضع کارگران مردنیز تقریباً همین طوری است. تهاتمند ادکی از آنان که کارشان به تخصص و نیروی بدنی بسیار زیاد نیاز دارد ممکن است پیرا سه چهار سال سابقه به سی و پنج تومان در روز برسد. متوسط دستمزدها در کارخانه کمتر از بیست تومان است. اغلب کارگران در خارج از شهر زندگی می کنند و چون کارخانه سرویس ندارد ماهانه ۹۰ تومان کرایه رفت و آمد می دهند. کرایه اتاق به طور متوسط سیصد تومان است و به این ترتیب از دستمزدها کارگر مانده دو صد تا سیصد تومان برای تمام هزینه های دیگر باقی می ماند. در حالی که گوشت پهن زده کیلویی ۱۵ تا ۲۰ تومان تخم مرغ کیلویی ۷ تومان و نان نامرغوب کیلویی ۱۴ ریال است. کارگران این کارخانه پیرا از پیش به حقوق خویش آشناس می شوند و روحیه مبارزه جویانه کمترین می باید.

۲۴- لغتصاب کارگران کوره بزرگانه های تهران

عده ای از کارگران کوره بزرگانه های تهران روز سه شنبه ۱۱ خرداد ماه دست به لغتصاب زدند و با دست داشتن پرچی در جلو از محل کوره ها به سمت سندیکا حرکت کردند. خواست کارگران اضافه دستمزده بود. سال گذشته بعد از سرور صدای زیادی که پیرامون تثبیت قیمت ها برپا شده قیمت آجر را به حساب کارکنان دستمزده کارگران کوره بزرگانه ها پایین آوردند که منجر به لغتصاب کارگران در اوایل مهرماه شد. لغتصاب منجر وحشیانه کوباند و های ارتشی و جبری شدن عده ای و بازداشت عده ای دیگر از کارگران غرو نشانده شد. اکنون که قیمت آجر در بازار بالا رفته و از نزاری ۱۲۶ تومان به ۲۰۰ نزاری تومان رسیده است کارگران در خواست می کنند که در دستمزدها آن تا نیز تجدید نظر شود ز متناسب با افزایش قیمت آجر بالا رود. از نتیجه لغتصاب هنوز خبری در دست نیست.

اختصاصیه مدرسه عالی سمنان

در آذربایجان در مدرسه عالی سمنان اختصاصی سازمان داده می شود. پلیس به مدرسه عالی می ریزد و یادستگاری و دانشجویان را می کشد اختصاصی را سرکوب کند. به علاوه تمام تحصیلی را هم طغی می کند. علت اختصاصی این بوده که برخلاف نظام قبلی مدیریت تصمیم می گیرد که این مدرسه عالی راه وزارت آموزش و پرورش وابسته نماید و فارغ التحصیلان معلم شوند. دانشجویان زیر بار نرفته خواستارند که مدرسه عالی سمنان وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی باقی بماند.

نوعیت پلانی زیر شکنجه های رژیم شاه

در حومه اصفهان در روبروی دانشگاه اصفهان منطقه نسبتاً وسیعی است که محل سکونت مردمی است که از سال ۱۸ پیش در آن جا تکه زمینی خریده و در آن خانه ساخته اند. کمی بالاتر از این منطقه حدود یک سال است که یک پایگاه وایی ساخته شده و اکنون نیروی هوایی به مالکان خانه های این منطقه فشار آورده که خانه های خود را به قیمت بسیار ارزان به نیروی وایی بفروشند تا در اختیار افسران پایگاه مذکور قرار داده شود. چندین هزار نفر از اهالی محل به عنوان اعتراض به این اقدام در جلوی استانداری اصفهان جمع می شوند و خواستار لغو این تصمیم نیروی وایی می گردند اما مأموران پلیس - آرمگن شاه به دستور این هجوم بوده و آن ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و متفرق می نمایند.

محسن یلفانی زیر شکنجه جلا در رژیم است

محسن یلفانی نویسنده سرشناس و محبوب که مدتی است زندانی است هاپنک تحت شکنجه های سخت قرار گرفته و جلا در آن بر او فشارهای جسمی و روحی بسیار سنگینی وارد می کنند. جان محسن یلفانی هاین ادیب صاحب نام ایرانی و نویسنده نمایشنامه "آموزگارانی که با آن همه استقبال گرم روبرو شده و در خطر است. جادارد که همه مردم ایران همه روشنفکران ایرانی نسبت به توطئه های که رژیم منفور شاه و تبه کاران ساواک دیدارند، نهایت خشم و اعتراض و تندی را بیان نمایند محسن یلفانی به همراهی نویسندگان و هنرمندان دیگری - محمود دولت آبادی سعید سلطانی و ناصر رحمانی نژاد - توقیف و به محبس بگردانده بود. هاینک جلا در آن قصد جان او را کرده اند. باید کوشش شود تا دست جلا در قطع گردد.

مردم ایران! بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دوشیمان شاه مبارزه کنید!

گزارشی از زندان قصر تهران

چندی پیش افراد گارد پلیس به بند ۸ ریخته و زندانیان سیاسی را به شدت مذبذب و مجروح کرده اند به طوری که عددهای از آن ها به بیمارستان انتقال یافته اند. خانواده های زندانیان سیاسی که چند روز پیش از این هجوم وحشیانه برای دیدار فرزندان خود رفتند جای زخم را بر سر صورت آن ها مشاهده کرده اند. بهانه این عمل در مشاهده ظاهراً این بوده است که مدیریت زندان طبق دستور سازمان امنیت می خواسته است - زندانیان سیاسی را مجبور کند تا در همه مواقع و حتی در موقع ملاقات با خانواده ها لباس مخصوص زندانیان را بپوشند. در حالی که چنین چیزی هرگز در زندان های سیاسی رسم نبوده و شیوه پلیس آلمان فاشیستی در اردوگاه های اسیران است.

رژیم ایران شایسته کمترین حقوقی برای زندانیان سیاسی قائل نیست. شاه که شخصیت زبون و روحیه خیمیفکن دارد در هر وقت که دستش از همه جا کوتاه می شود می کوشد تا خشم خود را با هجوم به زندانیان سیاسی که اسیر دست او هستند خاموش کند. اما به خصوص جنبش انقلابی ایران رو به اوج می رود و با این گونه جنایتکاری ها نمی توان راه آن را بست.

رادیوپیک ایران

بانک رسای طبع کارگو ایران وجود آن بهر حال همه آن نیروهای ایرانی است که در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی صحن ما مبارزه میکنند. رادیوی بیک ایران همه روزه در دو نوبت بر روی امواج کوتاه رادیو ۲۵، ۲۶، ۳۱ متر از ساعت ۷ و از ساعت ۸ بعد از ظهر به زبان فارسی برنامه پخش میکند. به آن گوش کنید و شنیدن آن را به همگان توصیه نمائید.

برائند اختن رژیم استبدادی و ضد مردمی شاه خواستار صدمه همه مردم ایران است. حزب توده ایران از همه نیروهای ضد فاشیستی و ضد دیکتاتوری دعوت میکند که برای مبارزه بر ضد رژیم کثیف در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری همکاری نمایند.

اسلحه کارگران مبارزات وسیع صنفی و سیاسی و طبقاتی است